

۱۷ آوریل ۲۰۱۲



ماه آوریل امسال همچنانکه پیشتر هم گفتیم ماه «آب زرشک» است! دست قادر متعال این اکسیر حیات بخش را همزمان به جمکرانیان، دولت اسرائیل، دولت کره شمالی و ... و خاندان جلیل سلطنت اسپانیا تقدیم کرد! و این است دلیل ابراز لطف کمیساریای عالی امور پناهندگان به «آنجلینا ژولی!» بین خودمان بماند، چهره ایشان نماد بارز پناهندگی و آوارگی است؛ همه چربی های کپل مبارکشان به





احمدی نژاد می‌کوشد آن را با بحران‌سازی در مورد «خلیج فارس» و «ابوموسی» و غیره تقویت کند.

بله، «تبرد» احمدی با شیخک امارات در واقع واکنش به کساد دکان هسته‌ای است که دست‌های مقدس انگلیس و آمریکا برای‌شان درست کرده بود! به همچنین است اظهارات شیرین عبادی پیرامون «حقوق بشر» در رادیوفردا! نوبل صلح جمکران در واقع به «تقدیس دانشجو» مشغول شده و می‌گوید «جای دانشجو در زندان نیست!» به عبارت دیگر «دانشجو» هم می‌تواند مانند آخوند جماعت

لبها «پناهنده» شده تا ایشان «زیباتر» شوند، بگذریم! ماه آوریل امسال همچنین شاهد جشن‌های «پاک» هم بودیم. کسی چه می‌داند، شاید قادر متعال «آب‌پاکی» را روی دست خیلی‌ها ریخته باشد! به همین دلیل در جمکران «دشمنان موهوم» حکومت به صحنه بازگشته‌اند.

علی خامنه‌ای از کروب‌ی و موسوی برای بازگشت به نظام دعوت کرده، و مشائی هم که قرار بود به «گناه» ارادت به تخت‌جمشید اعدام شود، برای «ترویج فرهنگ شهادت» به حناز چوبه بازگشته و ... و این «تحولات» به دلیل تضعیف بحران دست‌ساز یانکی‌ها بروز کرده. بحرانی که



«قانون شکنی» کند، و از مجازات مبری باشد! اهداء نوبل صلح به امثال عبادی دلیل موجه دارد؛ وظیفه نوبل صلح در کشور ایران گسترش حماقت و توحش است، و خوشبختانه شیرین عبادی در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نکرده. به ویژه در زمینه «حقوق زنان» از کاردینال راتزینگر هم پیشی گرفته. کاردینال راتزینگر در رابطه با جسد مسیح و یک تخم مرغ جایگاه زن در مسیحیت را یکبار و برای همیشه تعیین کرده اند!

جایگاه زن در مسیحیت در ارتباط با جسد و تخم مرغ تعیین می شود! جایگاه والای تخم مرغ هم در ارتباط با جسد مسیح تعریف شده و ... و نهایت امر «خبر موثق» رستاخیز مسیح با پرسوناژ «مریم مجدلیه» و تیبریوس، امپراطور رم پیوندی ناگسستنی دارد. بی دلیل نیست که پروپاگاند بی بی سی نیز بر «جسد» متمرکز شده. جسد فواید بسیار دارد؛ ساکن است، به غذا و مسکن و بهداشت و آموزش نیازمند نیست، و از همه مهمتر اینکه نمی تواند مطالب «بی بی سی» را تکذیب کند. به همین دلیل «بی بی سی» فارسی با جسد شاهرخ مسکوب ضیافت مفصلی بر پا کرده. به استثنای یک فرانسوی که به آثار مسکوب پرداخته، مدعوی این ضیافت هر کدام قسمتی از جسد شاهرخ را به دندان گرفته و مشغول جویدن شده اند. مجموعه این صحنه دلپذیر «هفتمین سالمرگ شاهرخ مسکوب» نام گرفته. این نمایش دلنشین به دلیل تحریف مفاهیم و تخریب انسان شایسته عجیبی به نمایشات امام روشن ضمیر میرحسین دارد. ایشان نیز با تعیین «صفت» برای «جمهور» آن را با «ضد جمهور»، یعنی با «جمهوری اسلامی» جایگزین کردند.

در مجموعه مطالب بی بی سی پیرامون «شاهرخ مسکوب» همین روند تحریف و جایگزینی با هدف تخریب را به سهولت می توان مشاهده کرد. مرز شکنان و انسان ستیزان فرهیخته ضیافت بی بی سی بجای پرداختن به آثار شاهرخ مسکوب، به ارائه تصویر موهومی که از وی ساخته اند مشغول شده و به این ترتیب «شاهرخ مسکوب» را به «ابهام» و «خشونت»

می آلاینند. روند تحمیل ابهام و خشونت به «مسکوب» این است که ابتدا او را از جایگاه واقعی اجتماعی اش به بیرون پرتاب کرده و به حریم خصوصی زندگی اش وارد می شوند. یا اینکه با اخراج مسکوب از واقعیت زمان و مکان او را به ارزش های انسان ستیز «حماسی» و اسطوره نزدیک می کنند و ... نتیجه اینکه از «شاهرخ مسکوب» تصویر یک موجود وحشی و «بی مسئولیت» ارائه می شود. موجودی که در زنجیر وابستگی های غریزی و عاطفی اسیر است، و در برابر اعمالی که انجام داده هیچ «مسئولیتی» برای خود نمی بیند؛ در نتیجه «پاسخگو» نیز نخواهد بود. این است ایرانی مطلوب استعمار؛ یک موجود وحشی و نظم ستیز! حال بخوبی می توان به دلائل واقعی تحمیل حکومت مقدسات «دینی - بومی» بر ملت ایران پی برد، و از اهمیت استراتژیک گسترش حماقت توده ای و توحش «مردم» در جامعه ایران آگاه شد.

به این ترتیب به سهولت می توان دریافت به چه دلیل رادیوفردا اظهارات «ولی الله نصر»، مبنی بر ممنوعیت آموزش رقص به کودکان ایرانی را با چنین شور و شوقی منعکس می کند. تمرکز فکر، نظم، برنامه ریزی و مسئولیت پذیری در آموزش رقص الزامی است. روحیات کودکی که اوقات فراغت اش در مهد کودک به تمرین رقص می گذرد با کودکی که ناچار است اوقات فراغت اش را به تکرار مزخرفات قرآن بگذراند زمین تا آسمان تفاوت می کند. تفاوتی که بر اطرافیان و در درجه نخست بر والدین نیز تأثیر می گذارد. نیازهای کودکی که رقصیدن فرا می گیرد با نیازهای کودکی که آیات قرآن را از بر می کند یکسان نخواهد بود. ساختار شخصیتی و فضای اجتماعی به کنار، اولی در مسیر رشد و تحول و شکوفائی و تعادل جسمی و روحی به سوی زندگی گام برمی دارد. حال آنکه دومی در باتلاق ترس و توهم و مرگ و سکون مقدسات دستوپا می زند، و به مرور زمان رخدادها را «خواست خدا» دانسته و هیچ مسئولیتی نه برای خود و نه برای دیگران نمی شناسد؛ خلاصه کلام محصولی می شود از محصولات مجموعه کودتائی «شیخ و شاه».



حکومت بلاهت گستر جمکران که حساباش روشن است؛ از تل موهوم «مردم» و مبهماتی از قماش خدا، ظلم، ستم، کفر و استکبار و افتخار فراتر نخواهد رفت. اوپوزیسیوناش نیز در همین عرصه ابهام و توحش «باورها» لنگر انداخته. یکی به گذشته افتخار می کند، دیگری به «مخالفت» با خامنه‌ای و طرفداری از موسوی «مفتخر» است! یکی به مسلمان بودن اش می بالد، دیگری به ایرانی بودن اش. حال آنکه هیچ موجود منطقی و متعادلی به توهّم و باورهای مقدس و به ملیت خود افتخار نخواهد کرد! دلیل هم اینکه اگر کسی اهل برخورد منطقی باشد، مسلماً می داند که محل تولد «انتخابی» نیست و به «عملکرد» فرد در زندگی هیچ ارتباطی ندارد؛ هر کس در نقطه‌ای از دنیا متولد شده، و محل این «تولد» فی نفسه باعث افتخار نیست. افتخار به «ملیت»، همچون افتخار به «باورها» بیشتر نشان حماقت است، پس بگذریم و بازگردیم به عالم «چپه‌گی»!

واژه «چپه‌گی»، بر وزن «خستگی» را بجای «چپ‌نما» به کار می‌بریم چرا که هم به «واژگون‌نمائی» و «عدم تعادل» حکومت جمکران مرتبط می‌شود هم عملکرد توده‌ای‌ها و دیگر اعضای داس‌الله را تداعی می‌کند. باری در این محشر خر، حزب توده خواهان «پرواز به عقب» شده و دکان مردمی ساواک، یعنی «پیک‌نت» برای ابراز مخالفت با «مذاکرات» استانبول دوباره صورتک پوسیده «مخالفت با آمریکا» را از صندوقچه مادر بزرگ بیرون کشیده و می‌گوید، «دیگ این مذاکرات را در آمریکا بار گذاشته بودند.»

به عبارت دیگر طیف «چپه‌گی» شامل رهبران خودفروخته «جنبش سبز» با مذاکرات مخالف است! دلیل هم اینکه «مذاکره» گزینه برخورد نظامی را تضعیف می‌کند و امکانات شبکه پنهان را کاهش خواهد داد. اگر دوران نورانی و نکبت‌بار امام روشن ضمیر، یعنی دوران صدارت میرحسین جلال را مرور کنیم، می‌بینیم که گروه حاج‌بخشی به ریاست ملامد خاتمی «مذاکره» را با «صلح»، و «صلح» را با «سازش» در توافقی قرار می‌داد، تا ضمن تأمین منافع تفنگ‌فروش‌ها، زمینه «توجیه» وحشیگری‌های حاج روح

الله را نیز برای بوق‌های ارتش ناتو فراهم آورد. اینگونه بود که «نوول اوبسرواتور»، لوموند، اکسپرس و... به پیروی از رسانه‌های یانکی‌ها از خمینی و حکومت دست‌نشانده غرب در ایران تصویر «قدر قدرت» ارائه می‌دادند.

بله آن روزهای خوب در رسانه‌های کذا، حکومت اسلامی حاج روح‌الله «غرب را به لرزه درآورده بود!» و این روزها، به دلیل افلاس یانکی‌ها، علی خامنه‌ای سرنوشت خاورمیانه را به دست گرفته! این است ادعای هفته نامه «نوول اوبسرواتور» که در سایت رادیو بین‌المللی فرانسه، مورخ ۱۵ آوریل ۲۰۱۲ انعکاس یافته. «نوول اوبسرواتور» می‌نویسد، «سرنوشت خاورمیانه به تصمیم مردی بستگی دارد که هیچ وقت کشور خود را ترک نکرده. مردی به نام علی خامنه‌ای که عمامه مشکی بر سر دارد و سرسخت ترین رهبر ایران بوده و... و خلاصه مطلب اینکه «غرب» به این مذاکرات «خوش‌بین» نیست و از همه مهم‌تر، علی خامنه‌ای نیز نمی‌خواهد به سرنوشت قذافی دچار شود! بله اصل مطلب این است که اگر بحران دست‌ساز هسته‌ای پایان گیرد، هم «نوول اوبسرواتور» و هم به اصطلاح «کارشناسان» همه فن حریف متحمل خسارت خواهند شد و به همین دلیل است که در آستین علی خامنه‌ای فوت می‌کنند تا مطالبات محفلی‌شان را از زبان رهبر قدر قدرت خاورمیانه که در «سرسختی» نظیر ندارد به افکار عمومی غرب حقنه کنند:

«[...] به نظر می‌رسد او سرسخت‌ترین رهبر ایران تاکنون بوده [به گفته یک کارشناس] شرایط جدید [مذاکرات استانبول] برای [...] خامنه‌ای بسیار غیرقابل پذیرش‌تر شده [...] در فرانسه کارشناسان به روند مذاکرات با ایران بدبین هستند. خامنه‌ای در مذاکرات به دنبال [...] رسیدن به مرحله‌ای است که [...] بتواند ظرف چند هفته سلاح هسته‌ای تولید کند [...] خامنه‌ای سرنوشت [قذافی] را در نظر دارد که برنامه هسته‌ای خود را متوقف کرد.»

بله، تولید تسلیحات هسته‌ای، آنهم ظرف چند هفته فقط از عهده مردی بر می‌آید که عمامه‌اش سیاه است و «کارشناسان» نوول اوبسرواتور، این عمامه بسر را بسیار «پر قدرت» و «سرسخت» می‌پسندند! و جای تعجب نیست که جیغ و



فریاد اسرائیل هم در همین «مسیر مقدس» به آسمان بلند شود! خواست حضرات، برخلاف آنچه می‌نمایند، در واقع تجهیز حکومت اسلامی به سلاح هسته‌ای است. چرا که به این ترتیب هم ضمانت تداوم حکومت آخوند بر ملت ایران را به دست می‌آورند و هم زمینه اعمال فشار بر روسیه را. به عبارت دیگر، صورت‌بندی دوران نورانی هیتلر دست نخورده باقی خواهد ماند! تنها به این ترتیب است که نان رسانه‌های غرب در روغن شناور می‌ماند! اما برخلاف توهم «کارشناسان» و قلم زنان نوول اوبسرواتور، این «دوران طلایی» دیگر به سر آمده! کافی است به تحولات سیاسی فرانسه بنگریم تا ببینیم در جمران چه می‌گذرد!

در فرانسه، هول و هراس از «جبهه چپ» آنچنان وسعت گرفته که همه به حزب سوسیالیست امید بسته‌اند! رسانه‌های اسلام نواز و اسرائیل پرست نظیر «اکسپرس»، «نوول اوبسرواتور» و شرکاء برنامه «تخریب» نامزد جبهه چپ را به اجرا گذارده، و در این مسیر از «روانکاوی» سرگذر و بیخ‌دیواری نیز دریغ نورزیده‌اند! و اما لوموند که خیلی ادعای روشنفکری دارد ضمن بازتاب مختصر و مفید الصاق برچسب، به سختی دست به تبلیغ برای حزب سوسیالیست زده! سایت لوموند، مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۲، نامه‌ای به امضاء ۴۰ «اقتصاددان» فرانسوی منتشر کرده که همگی «برنامه اقتصادی» فرانسوا اولاند، نامزد حزب سوسیالیست را تأیید کرده‌اند!

برنامه نامزد حزب سوسیالیست در زمینه اقتصادی عبارت است از تداوم پرداخت باج به آتلانتیست‌ها! اما در عرصه سیاست، حضرات برای «بازتولید» نمایش دوران فرانسوا میتران خیز برداشته‌اند! به عبارت دیگر، برنامه سوسیالیست‌ها روشن است، «مارتین اوبری»، از جناح چپ حزب را برای چند ماه نخست وزیر می‌کنند تا جای خود را به یک نخست‌وزیر «میان‌رو» بسپارد! همانطور که در دوران میتران نیز «لوران فابیوس» بجای «پیر موروا»، از جناح چپ نشست! وارد جزئیات نمی‌شویم، ولی به استنباط ما، تحقق این رویاها با توجه به شرایط کنونی با اشکالات فراوانی روبرو خواهد شد! به عنوان نمونه، ممکن است شاهد حذف نیکولا سرکوزی در دور اول انتخابات نیز

باشیم! و اینجاست که دست‌راست برای حمایت از حزب سوسیالیست آستین‌ها را بالا خواهد زد!

در اینصورت دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه به صحنه رقابت حزب سوسیالیست با جبهه چپ تبدیل می‌شود و راستگرایان فرانسه ناچار خواهند شد برای حفظ منافع‌شان، به نامزد حزب سوسیالیست رأی دهند! در اینصورت هم دکان واتیکان کسادتر می‌شود، و هم بساط اسرائیل و جمران تزلزل بیشتری می‌یابد! شاید گونترگراس به همین دلیل بستری شده! ولی به احتمال زیاد حزب توده به همین دلیل برای تداوم حکومت توحش خواهان «پرواز به عقب» است! عملی که در عالم واقعیت امکان‌پذیر نیست! پس حزب توده را رها می‌کنیم که به عقب پرواز کند و می‌رویم به سراغ دو بازوی فاشیسم یعنی گونترگراس و پاپ.

بله گونترگراس و ژوزف راتزینگر هر دو در خدمت هیتلر بوده‌اند، و هر دو نیز به نوعی از فاشیسم ابراز انزجار کرده‌اند! ژوزف راتزینگر با توسل به حدیث و روایت و داستان‌سرایی و ... و گونترگراس با «اعتراف» به سوابق درخشان‌اش. هر دو حساب‌شان را از فاشیسم، حداقل به صورت شفاهی جدا کرده‌اند، ولی این نمایش ظاهری است! در واقعیت همچنانکه شاهد بودیم هر دو به امر مقدس بحران‌سازی و جنجال رسانه‌ای مشغول‌اند. بساط شاعر دلسوخته که از یادآوری بی‌نیاز است، و اما «پدر مقدس» که بر طبل «مسیحیت خوب» در تضاد با «اسلام خشن» می‌کوبید، اخیراً متخصص حقوق زنان از آب درآمده!

کاردینال راتزینگر که طی مسافرت اخیرشان به کوبا ناچار شدند زبان در کام بمانند، برای جبران مافات، «عید پاک» را غنیمت شمرده، به جایگاه زنان پرداخته‌اند؛ آنهم جایگاه زن در آغاز مسیحیت! این جایگاه ویژه، به گفته ایشان زمانشمول است و از دو هزار سال پیش تا پایان دنیا اعتبار خود را حفظ خواهد کرد! بله، فقط آخوندهای مونث و مذکر جمران هذیان نمی‌گویند، همتایان یهودی و مسیحی‌شان نیز در مزخرف‌گوئی ید طولائی دارند.

«جونم براتون بگه»، جایگاه زن در مسیحیت یعنی «مشاهده» قبر خالی عیسی مسیح، و جار زدن این خبر



مهم و دادن یک تخم مرغ به امپراطور رم! سایت فارسی نووستی، در باب «پاسخا» یعنی همان «پاسکا» و «پاک» چنین می‌نویسد:

«پاسخا، عید پاک به زبان روسی یا همان رستاخیز حضرت عیسی [...] مهمترین جشن تقویم مذهبی ارتدوکس‌هاست [...] پاسخا تاریخ ثابتی ندارد و بر اساس تقویم قمری محاسبه می‌شود [...] بنا به روایات، مریم مجدلیه بعد از رستاخیز حضرت عیسی [...] به رم رفته و به طبریوس، امپراطور وقت تخم مرغی داده و [می‌گوید] عیسی رستاخیز کرد [...] امپراطور [می‌گوید] باور کردنی نیست، همانطور که نمی‌توان باور نمود که تخم مرغ سفید قرمز شود. در همین زمان در برابر چشمان مردم حاضر رنگ تخم مرغ از سفید به قرمز روشن مبدل شد. مسیحیان رستاخیز حضرت عیسی [...] را از وقایع بی‌نظیر و معجزه‌ای برای نجات بشریت و جهان می‌شمارند.»

«داوینچی کد» را که از یاد نبرده‌ایم! در این رمان، مریم مجدلیه، یا همان «ماری مادلن» خودمان پس از «اعدام» آنحضرت به فرانسه آن روز که هنوز وجود نداشته، مشرف شده و فرزند حضرت عیسی را در فرانسه به دنیا می‌آورند و ... و «مسیحیان خوب» جملگی از تبار ایشان هستند! در آستانه «عید پاک»، کاردینال راتزینگر به جایگاه والای زن در مسیحیت اشاره فرموده‌اند و سایت فیگارو، مورخ ۹ آوریل ۲۰۱۲، «اشارات مقدس» ایشان را اینچنین منعکس کرده:

«پاپ بندیکت ۱۶ ضمن ستایش نقش اساسی زنان نزد اقوام مسیحی یادآور شد، این زنان بودند که قبر خالی عیسی را یافتند و رستاخیز او را به گوش دیگران رساندند. زنان پیوند ویژه‌ای را با خداوند [عیسی مسیح] تجربه کردند. این تجربه نه فقط در آغاز راه کلیسا، که در هر زمان برای زندگی ملموس مسیحیان اساسی است [...]»

خواهران کاتولیک! بشتابید برای یافتن قبر خالی مسیح! بعد هم یک تخم مرغ به دست امپراتور رم بدهید! بلافاصله «بی‌بی‌سی» از شما جهت اظهار نظر در مورد شاهرخ

مسکوب دعوت به عمل خواهد آورد. راه راست و درست را که نیک می‌شناسید! کافی است از یک‌سو به مفاهیم مطلق، نظیر جمهور، انسان، روشنفکر و دموکراسی یک صفت ناقابل‌نظیر «اسلامی»، «سبز»، «برتر»، «عالی»، «واقعی» و غیره بیافزائید، و از سوی دیگر با اخراج مسکوب از زمان و مکان او را به ارزش‌های انسان‌ستیز «حماسی» نزدیک کنید. و نهایت امر هر آنچه مصلحت می‌دانید و می‌دانند از قول وی نقل فرمائید؛ در مورد «باورها»، «زندگی خصوصی» و خلاصه مسائلی که هیچ ارتباطی با آثار مسکوب ندارد برای مان حدیث و روایت هم می‌توانید سر هم کنید ... تا شما، دست در دست بی‌بی‌سی بتوانید نهایت امر به تحریف مفاهیم «روشنفکر» و «روشنفکری» بپردازید.

شاهد بودیم رهبر دجال‌شان چگونه با افزودن یک صفت گنگ به «جمهور» آن را به پدیده‌ای جمهورستیز تبدیل کرد! شما که از حاج روح‌الله کم‌تر نیستید! شما هم می‌توانید، نوع خاصی از «روشنفکر» و «روشنفکری» تولید کرده و آن را در بقالی «بی‌بی‌سی» به فروش بگذارید. بقالی را دست کم نگیرید که «عبدالرحمن»، مسئول حقوق‌بشر سوریه هم در لندن بقالی دارد! و هر روز از پشت دخل، آمار دقیق قربانیان ظلم و ستم و استکبار «بشار اسد» را در اختیار رسانه‌های غرب و ناوی پیلای قرار می‌دهد! در صورتیکه بقالی «بی‌بی‌سی» به مسائل «فرهنگی» و انواع «روشنفکر» از قماش «کمیاب»، «آزاده» و غیره نیز می‌پردازد.

به این ترتیب است که شاهرخ مسکوب تبدیل می‌شود به روشنفکر کمیاب، پیرو فردوسی، و ... نهایت امر «ابرمرد» که هیچ ارتباطی با شاهرخ مسکوب به عنوان انسان نمی‌تواند داشته باشد. خواهران کاتولیک! وقتی از یک نویسنده ایرانی «ابرمرد» و «مردبرتر» ساختید، به رم مشرف شوید و از آنجا که امپراتور «تیبیریوس» در دسترس نیست، یک تخم مرغ به دست ژوزف راتزینگر یا ماریومونتی بدهید. تفاوت نمی‌کند، هر دو در راه گلدمن‌ساکس جهاد می‌کنند! به یاد داشته باشید که هنگام تقدیم تخم مرغ حتماً بگوئید، «شاهرخ رستاخیز کرد!»